

نسخه‌ای نو شناخته از کتاب انیس الناس

با شناختی تازه از مؤلف آن

چکیده:

کتاب انیس الناس، از آثار قرن نهم هجری با موضوع حکمت عملی است. تاکنون دو نسخه از این کتاب شناسایی شده است. هر دستنویس با عنوانی متفاوت از دیگری و منتسب به مؤلفی در فهرست‌های نسخ خطی ثبت شده است. هدف این مقاله مشخص نمودن مؤلف اصلی کتاب انیس الناس، معرفی نسخه‌های یافت شده از کتاب و اثبات لزوم توجه به تحریر دوم آن است. بنابراین ضمن نقل اظهارنظرهای موجود درباره انتساب اثر به مؤلف، آنچه درباره مؤلف اصلی کتاب، قوام‌الدین محمد یزدی و آثار او به دست آمده است عرضه و بررسی خواهد شد. سپس ضمن معرفی تحریرهای موجود با مقایسه متن آن‌ها، به این موضوع می‌پردازیم که تحریر دوم چگونه می‌تواند به رفع ابهام و افتادگی‌های تحریر اول که در نسخه چاپی هم ظاهر شده کمک کند و به این ترتیب اثبات می‌شود که مؤلف کتاب انیس الناس، قوام‌الدین محمد یزدی است و جهت دست یافتن به متنی صحیح‌تر از کتاب انیس الناس لازم است متن نسخه نوشناخته مورد توجه و مقایسه با متن تحریر اول قرار گیرد.

کلمات کلیدی: انیس الناس، رساله در اخلاق و سیاست، قوام‌الدین محمد یزدی، شجاع شیرازی، نثر قرن نهم

Anais al-Nas. A Treatise on Ethics and Politics. Qawam al-Din Muhammad Yazdi. Shoja shirazi. Prose of 9th century A.H.

۱- مقدمه: کتاب «انیس الناس» اثری است از قوام‌الدین محمد یزدی (متوفی ۸۳۰)، شاعر، نویسنده و کارگزار حکومتی که تا نیمه اول قرن نهم، در قید حیات بوده است و کتاب خود را با موضوع حکمت عملی، در بیست فصل تنظیم و به فرمانروای فارس، ابراهیم سلطان، شاهزاده دانش دوست و هنرمند تیموری، پسر شاهرخ میرزا و گوهرشاد بیگم، هدیه نموده است. از این کتاب دو دستنویس باقی مانده است:

۱- نسخه‌ای که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۵۱۸ ثبت و نگهداری می‌شود. در این نسخه تا اواسط فصل ۱۹ باقی مانده است و به دلیل افتادگی پایان نسخه، نام کاتب و تاریخ کتابت آن مشخص نیست؛ اما فهرست‌نگاران بنا بر خط و کاغذ و تذهیب، آن را از زمان تألیف کتاب دانسته‌اند. این دستنویس به خط نسخ در ۲۳۴ برگ ۱۵ سطری به ابعاد ۱۱/۵ × ۱۹/۵ کتابت شده است. صفحه‌های آن مجدول محرر به مشکی و زرد و لاجورد است (درایتی، ۱۳۹۱: ۳۳۴/۵؛ حافظیان بابلی، ۱۳۸۸: ۱۹۰/۳۰). در صفحه عنوان شمس‌ای مذهب که در آن به سفیداب نوشته شده: «به رسم خزانه السلطان الاعظم الاعدل معیث الدنیا و الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان» وجود دارد، صفحه آغاز دارای کتیبه‌ای مذهب است که نام کتاب به سفیداب در آن نگاشته شده، عناوین زر و شنگرفت و لاجورد است، رکابه نویسی شده و در حاشیه تصحیح شده و حواشی دارد. جلد این نسخه تیماج مشکی است. (حافظیان بابلی، ۱۳۸۸: ۱۹۰/۳۰)

این دستنویس، نسخه‌ای آراسته است که برای کتابخانه ابراهیم میرزا، پسر شاهرخ و فرمانروای فارس، نوشته شده و سپس به کتابخانه شاهرخ میرزا، چهارمین فرزند تیمور گورکانی و حکمران علم و هنر دوست خراسان، رفته و اثر مهر کتابخانه شاهرخ در دو صفحه از آن دیده می‌شود (رک: درایتی، ۱۳۹۱: ۳۳۴/۵؛ حافظیان بابلی، ۱۳۸۸: ۱۹۰/۳۰؛ افشار، ۱۳۵۶: ۱۵) یکی در صفحه ششمه اول کتاب و دیگری در صفحه ۱۲۶. ایرج افشار این کتاب را بر اساس همین نسخه، تصحیح و در سال ۱۳۵۶ چاپ نموده است.

فهرست نویسان و نیز ایرج افشار براساس عبارت «... محرر این حال و مقرر این مقال اقل عباد السلطان المطاع شجاع در سنه ثلاثین و ثمانمائه...» در خطبه مؤلف، آن را از شجاع نامی دانسته‌اند اما اشاره کرده‌اند که از زندگانی و احوال او اطلاعاتی به دست نیامده است. (رک: شجاع شیرازی، ۱۳۵۶: ۱۱ مقدمه) فیلم نسخه ذکر شده به شماره ۳۱۹۵ در کتابخانه دانشگاه تهران ثبت و نگهداری می‌شود. (رک: درایتی، ۱۳۹۱: ۳۳۴/۵؛ دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۹۶/۲ و ۹۷)

۲- نسخه‌ای که به شماره ۳۹۸۲ در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. از آنجا که بیش از چهار فصل از ابتدای این نسخه افتاده است فهرست نویسان، براساس موضوع، آن دستنویس را به نام «رساله در اخلاق و سیاست» ثبت نموده‌اند. به دلیل افتادگی پایان نسخه تاریخ دقیق کتابت و نام کاتب، که این نسخه را به خط نستعلیق کتابت کرده مشخص نیست اما با توجه به شواهد، تاریخ کتابت آن را قرن ۹ و ۱۰ دانسته‌اند. (رک: دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۲۹۷۶/۱۲؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۳۳۴/۵)

همچنین به دلیل افتادگی ابتدا و انتهای نسخه، فهرست‌نویسان از این طریق موفق به مشخص نمودن نام مؤلف نشده‌اند و با توجه به این عبارت از متن کتاب: «در کتاب فتح‌نامه سلطانی که در مجلس رفیع حضرت سلطنت پناهی مغیثی مؤلف و محرر می‌گردد» (۲۱۶پ) و با توجه به قراین تاریخی آن را به قوام‌الدین محمد یزدی (درگذشته به سال ۸۳۰) فرزند ضیاءالدین ابوبکر و برادر شرف‌الدین علی یزدی (دبیر و مورخ معروف عصر تیموری، حدود ۷۹۰-۸۵۸) نسبت داده‌اند. (رک: دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۱۲/۲۹۷۶؛ دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۸/۱؛ منزوی، ۱۳۴۹: ۱۵۳۹/۲؛ منزوی، ۱۳۸۱: ۳۱۳/۶؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۴۹۷/۱)

این دستنویس بر روی ۱۰۰ برگ کاغذ سمرقندی با ابعاد ۱۲×۱۷ کتابت شده است. کاتب در هر صفحه ۱۴ سطر ۷×۱۲ تنظیم و کتابت نموده است. جلد این نسخه تیماج حنایی ضربی مقوایی است. (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۲۹۷۶/۱۲) فیلم نسخه فوق به شماره ۲۷۲۷ در کتابخانه دانشگاه تهران ثبت و نگهداری می‌شود. (رک: درایتی، ۱۳۹۱: ۳۳۴/۵؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۴۷۹/۱؛ منزوی، ۱۳۴۹: ۱/۲ ب ۲/۱۵۳۹؛ دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۸/۱)

۲- سابقه تحقیق:

۲-۱- سابقه تحقیق پیرامون انیس‌الناس (تحریر اول کتاب): علامه قزوینی در یادداشتی به تاریخ ۲۹ دی ۱۳۲۰ که در جلد ۹ یادداشت‌های قزوینی (۱۳۶۳) چاپ شده است اشاره می‌کند که نسخه‌ای را که برای فروش به کتابخانه ملی ارائه شده مطالعه نموده است و در ادامه به معرفی قطع، تعداد برگ، خط، موضوع، تعداد فصول و عنوان فصل‌های کتاب می‌پردازد و با توجه به دیباچه کتاب، نام آن را انیس‌الناس، مؤلف آن را شجاع و سال تالیف آن را سنه ثلاثین و ثمانمائه (۸۳۰) یا یکی دو سال بعد از آن

می‌داند که مؤلف آن را در قریه ککان، یکی از روستاهای گرمسیر فارس، به نام مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان تألیف نموده است و اهمیت کتاب را در حکایت‌هایی می‌داند که از آل مظفر، آل اینجو و حافظ نقل می‌شود. در ادامه چند حکایت از حکایت‌های مذکور را نقل می‌کند و در پاورقی به توضیح بعضی واژه‌ها، اسامی و اصطلاحات موجود در حکایت‌ها می‌پردازد. (۹/ ۲۴۲۷-۲۴۰۹)

قاسم غنی در تاریخ عصر حافظ (۱۳۲۲) ضمن نقل روایت‌های گوناگون، از ماجرای دیدار حافظ با تیمور و اعتراض او به دست و دلبازی یا ولخرجی حافظ در شعر «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را...» از جمله قرائن بسیار موکد بر درستی این ماجرا را، روایتی از این گفت و شنود می‌داند که شجاع شیرازی در کتاب «انیس‌الناس» نقل کرده است. ایشان در پاورقی منبع خود را یادداشت علامه قزوینی معرفی می‌کند. (۱/ ۳۹۳)

سعید نفیسی در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران (۱۳۴۴) ذیل عنوان «شجاع شیرازی» به تبعیت از علامه قزوینی، او را از بنی اعمام شاه شیخ ابواسحاق اینجو، پادشاه فارس معرفی می‌کند که در سال ۸۳۰ کتابی در حکمت عملی به تقلید از قابوس‌نامه و سیاست‌نامه به نام «انیس‌الناس فی الاخلاق»، به نام ابراهیم سلطان بن شاهرخ به پایان می‌رساند و اضافه می‌کند که «شجاع» از شاگردان «میر سید شریف گرگانی»، دانشمند معروف قرن هشتم بوده است. اما اشاره‌ای به احوال و آثار او نمی‌کند. (۱/ ۲۹۰)

محمدتقی دانش پژوه در جلد دوم فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (بی‌تا) ذیل عنوان «انیس‌الناس»، فیلم شماره ۳۱۹۵ تهیه شده از نسخه موجود در کتابخانه مجلس را معرفی نموده و این کتاب را به تبعیت از فهرست‌نگاران آن کتابخانه، از «شجاع شیرازی» می‌داند که برای ابراهیم سلطان پسر شاهرخ تیموری، نوشته است. (۲/ ۹۶)

احمد مزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۱۳۴۹) ذیل عنوان «انیس‌الناس» ضمن معرفی نسخه کتابخانه مجلس که گویا در آن زمان هنوز فهرست نشده بوده است به تبعیت از فهرست‌نگاران کتابخانه، آن را از مؤلفی به نام «شجاع» می‌داند. (۶/ ۱۵۴۷)

ایرج افشار کتاب «انیس‌الناس» را بر اساس نسخه کتابخانه مجلس، که در آن زمان گمان می‌شد تنها نسخه موجود از این کتاب است در سال ۱۳۵۶ هـ.ش چاپ کرد. ایشان بر اساس متن کتاب و بیشتر به تبعیت از علامه قزوینی، آن را از نویسنده‌ای به نام شجاع می‌داند که جدش پسر عموی شاه شیخ ابواسحاق اینجو بوده و کتاب را در سال ۸۳۰ هجری به نام ابراهیم سلطان تألیف کرده است. (۱۱ مقدمه) ایرج افشار در مقدمه مختصر خود بر این کتاب می‌نویسد: که از این کتاب و مؤلف آن در مآخذ قدیم ذکری نیامده و فقط نسخه‌ای از آن که برای کتابخانه ابراهیم سلطان نوشته شده بوده، به دست ما رسیده است. (همانجا) ایشان همچنین به موضوع کتاب، استفاده مؤلف از کتاب‌های معروف قبل از خود و اشعار شاعران بزرگ ادب فارسی و نیاردن نام کتاب‌ها و نام شاعران در متن کتاب اشاره می‌کند و به این ترتیب پس از یک مقدمه حدود ۶ صفحه‌ای، به سبب تک نسخه‌ای بودن متن، به تصحیح قیاسی آن می‌پردازد و بعد از اتمام کتاب، در پایان، فهرست اعلام انسانی و داستانی، اعلام جغرافیایی و اقوام و ادیان و فهرست کتاب‌های متن را تنظیم می‌نماید. اما تعلیقاتی به این چاپ اضافه نشده است. این کتاب در سال ۱۳۷۴ به چاپ دوم رسیده است.

احمد منزوی در جلد ۶ فهرستواره کتاب‌های فارسی (۱۳۸۱)، ذیل عنوان «انیس الناس»، بر اساس فهرست قبلی خود و در واقع به پیروی از آنچه فهرست‌نگاران کتابخانه مجلس حدس زده بوده‌اند و ظاهراً بنابر دیباچه باقی مانده از نسخه مجلس، آن را از شجاع نامی دانسته که در سال ۸۳۰، کتاب را در اخلاق و آداب زندگی و معاشرت و شروط ملازمت بزرگان و... نگاشته است. (۳۳۶)

منوچهر دانش پژوه^۱ در کتاب «جایگاه نثر شیراز و فارس در تحول نثر فارسی در سده‌های هفتم تا نهم» (۱۳۸۷)، پس از بیان شرایط سیاسی و حوادث شیراز در زمان حکومت شاه شجاع و پس از اشاره به وفات او، به معرفی نویسندگان آن دوره می‌پردازد. اولین نویسنده‌ای که از او یاد می‌شود «شجاع» است. وی کتاب «انیس الناس»، اثر شجاع را از متون خوب اوایل قرن نهم معرفی می‌کند. البته آنچه در معرفی این کتاب بیان می‌شود تکرار سخنان نویسندگان قبلی است. (۱۹۸ و ۱۹۹)

ابوالفضل حافظیان بابللی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸)، ذیل عنوان «انیس الناس» به معرفی نسخه موجود از این کتاب به شماره ۹۵۱۸ در آن کتابخانه می‌پردازد و اشاره می‌کند که ایرج افشار این کتاب را بر اساس نسخه ذکر شده تصحیح و چاپ کرده است. (۱۸۹/۳۰)

مصطفی درایتی در جلد دوم «فهرستواره دست نوشته‌های ایران» (۱۳۸۹)، نسخه شماره ۹۵۱۸ کتابخانه مجلس و نسخه شماره ۳۹۸۲ و فیلم شماره ۳۱۹۵ کتابخانه دانشگاه تهران را ذیل عنوان «انیس الناس» و از «شجاع شیرازی» (۲۸۹/۲) ثبت نموده است.

مصطفی درایتی در «فهرستگان نسخه‌های خطی ایران» (۱۳۹۱)، ذیل عنوان «انیس الناس»، این کتاب را از نویسنده‌ای به نام شجاع شیرازی می‌داند که آن را در سال ۸۳۰ در کوکان تألیف و به ابراهیم سلطان، اهدا نمود. موضوع کتاب را حکمت عملی، سیاست و تدبیر منزل معرفی می‌کند. نویسنده بعد از ذکر نام بعضی از فصل‌های کتاب، اشاره می‌کند که برخی مؤلف آن را قوام‌الدین محمد یزدی دانسته‌اند. (۳۳۳/۵)

در ادامه بعد از ذکر نام تعدادی از درباریان و دانشمندان عصر، که در این کتاب آمده، اشاره می‌کند که مؤلف در هر فصلی، داستان‌ها و اشعاری از خود و دیگران ذکر کرده است. سپس آغاز و انجام نسخه‌های موجود را نقل می‌کند و منابعی را که این کتاب را از قوام‌الدین یا شجاع دانسته‌اند فهرست گونه بیان می‌دارد. وی در ادامه نسخه‌های موجود از این کتاب، ثبت شده به شماره ۹۵۱۸ در کتابخانه مجلس، ۳۹۸۲ در کتابخانه دانشگاه تهران و فیلم‌های موجود از این دو نسخه، به ترتیب به شماره‌های ۳۱۹۵ و ۲۷۲۷ موجود در کتابخانه دانشگاه تهران را معرفی می‌نماید. (۳۳۳/۵ و ۳۳۴)

جلال محمدی در فصل دوم پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تأثیر قابوسنامه عنصرالمعالی و گلستان سعدی بر کتاب انیس الناس شیخ شجاع» (۱۳۹۱) به معرفی مؤلفان این سه اثر و بررسی زندگی و آثار ایشان می‌پردازد. آنچه او درباره مؤلف انیس الناس می‌نویسد همان نکاتی است که دیگران نیز به آن اشاره کرده بوده‌اند.

^۱ - مرحوم منوچهر دانش پژوه (نفتگذار) استاد دانشگاه علامه طباطبایی بود و با محمد تقی دانش پژوه فهرست نگار صرفاً تشابه اسمی دارد.

وحید سبزیان پور و مرضیه دبیریان در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر پذیری شجاع در فصل دوم کتاب انیس‌الناس از منابع فارسی و عربی» (۱۳۹۳)، تلاش کرده‌اند با بررسی فصل دوم کتاب انیس‌الناس، منابع مورد استفاده مؤلف و تأثیر اندیشه‌های اسلامی و ایرانی، در این فصل از کتاب را نشان دهند. نویسندگان با استفاده از شواهد ثابت می‌کنند که مؤلف در فصل بندی کتاب خود از شیوه قابوسنامه استفاده کرده است.

مرضیه دبیریان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «تأثیرپذیری کتاب انیس‌الناس از فرهنگ و ادب عربی و بازشناسی منابع آن» (۱۳۹۳)، پس از نشان دادن منابعی که مؤلف انیس‌الناس از شیوه و سبک آنها بهره برده، سرچشمه حکایت‌ها، سخنان حکیمانه، اشعار و امثال موجود در این کتاب را در منابع عربی و فارسی جستجو کرده و نشان داده است.

وحید سبزیان پور و مرضیه دبیریان با اساس قرار دادن انیس‌الناس چاپ ۱۳۵۶، این کتاب را تحت عنوان «انیس‌الناس فی الاخلاق» (۱۳۹۳) چاپ نموده و در قسمت پیشینه تحقیق در مقدمه آن، به تصحیح و چاپ کتاب انیس‌الناس در سال ۱۳۵۶ توسط ایرج افشار، بر اساس تنها نسخه شناخته شده تا آن زمان، متعلق به کتابخانه مجلس و تجدید چاپ آن در سال ۱۳۷۴ اشاره کرده‌اند. اما هیچکدام از اشکالاتی را که در مقاله حاضر به آنها اشاره خواهد شد برطرف نکرده‌اند.

۲-۲- سابقه تحقیق پیرامون رساله در اخلاق و سیاست (تحریر دوم کتاب): محمدتقی دانش پژوه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۱۳۴۰) نسخه موجود به شماره ۳۹۸۲ را با عنوان «رساله در اخلاق و سیاست» معرفی می‌کند و با استناد به متن نسخه، آن را از مؤلف «فتح‌نامه سلطانی» می‌داند و با توجه به آنچه در دیوان و منشآت قوام‌الدین محمد آمده است ثابت می‌کند که این نسخه و کتاب «فتح‌نامه» از قوام‌الدین محمد یزدی است. همچنین فهرستی از مطالب مهم و نام برخی از درباریان و دانشمندی که در کتاب از آنها یاد شده است به همراه شماره صفحه‌ای از نسخه که مطلب مورد نظر در آن وجود دارد برای استفاده خوانندگان ذکر می‌کند. (۲۹۷۶/۱۲)

محمدتقی دانش پژوه در جلد اول فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۱۳۴۸) ذیل عنوان «اخلاق و سیاست»، فیلم شماره ۲۷۲۷ موجود در این کتابخانه، که از نسخه شماره ۳۹۸۲ ثبت شده در همین کتابخانه تهیه شده است معرفی می‌کند و بار دیگر این کتاب را از قوام‌الدین محمد یزدی، مؤلف فتح‌نامه سلطانی می‌داند. (۸/۱).

احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۱۳۴۹) ذیل عنوان «اخلاق و سیاست» با اشاره به نسخه ثبت شده به شماره ۳۹۸۲ دانشگاه تهران و فیلم شماره ۲۷۲۷ به تبعیت از محمدتقی دانش پژوه این کتاب را از قوام‌الدین محمد یزدی می‌داند. (۱۵۳۹/۲)

احمد منزوی در جلد ۶ فهرستواره کتاب‌های فارسی (۱۳۸۱)، ذیل عنوان «اخلاق و سیاست»، بار دیگر این کتاب را از قوام‌الدین محمد یزدی دانسته که در آن از «فتح‌نامه سلطانی» یا «فتح‌نامه صاحبقرانی» خود، املاهای مغیث‌الدین ابراهیم، یاد می‌کند. منزوی در ادامه به معرفی اجمالی کتاب و ذکر عنوان فصل‌های باقیمانده می‌پردازد و نسخه شماره ۳۹۸۲ کتابخانه دانشگاه و فیلم تهیه شده بر اساس این نسخه را ذکر می‌کند. (۳۱۳/۶)

مصطفی درایتی در جلد اول «فهرستواره دست نوشته‌های ایران» (۱۳۸۹)، فیلم ثبت شده به شماره ۲۷۲۷ دانشگاه تهران

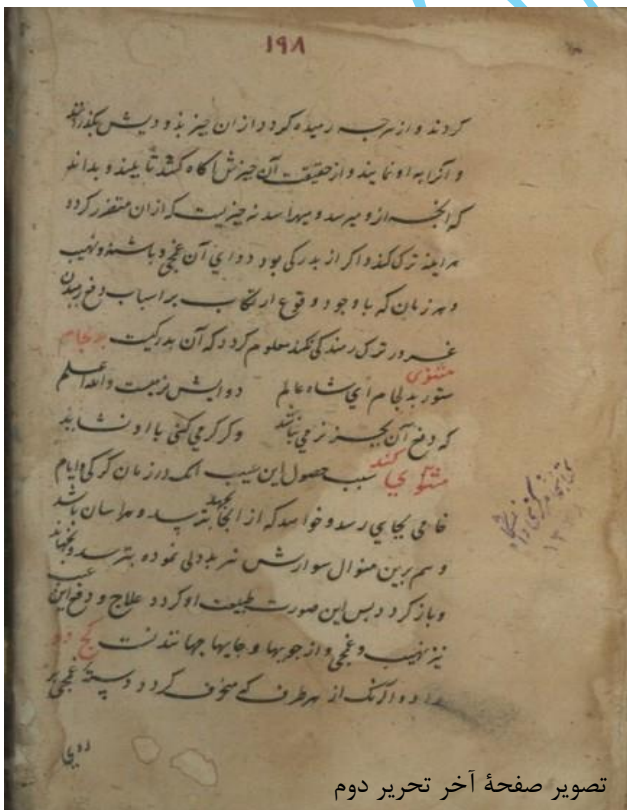
را ذبا عنوان «اخلاق و سیاست» و از قه‌ام‌الدین محمد بن‌دهی معرفی می‌کند. (۴۹۷/۱)



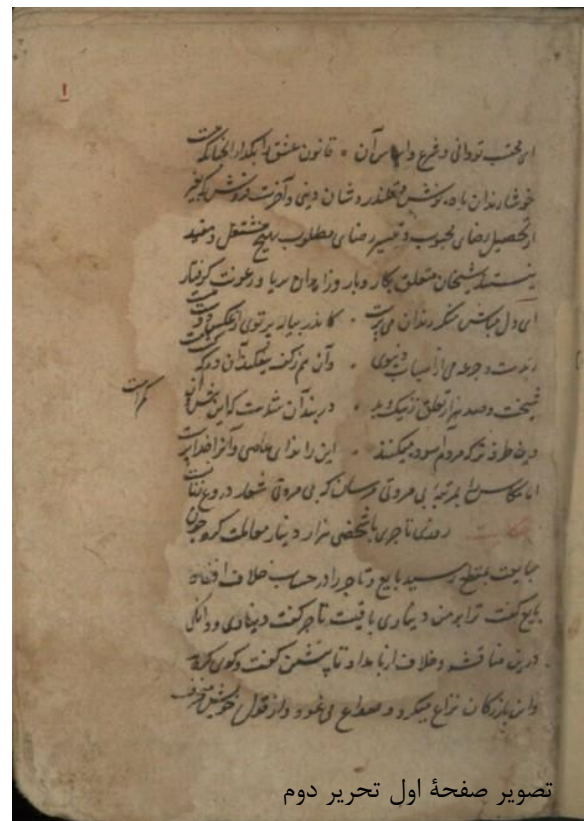
تصویر صفحه آخر تحریر اول



تصویر صفحه اول تحریر اول



تصویر صفحه آخر تحریر دوم



تصویر صفحه اول تحریر دوم

کتاب «انیس الناس» در سال ۸۳۰، در زمان فرمانروایی ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ تیموری بر شیراز نوشته شده است. آنچنان که در یادداشت‌های قزوینی، تاریخ عصر حافظ، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران و مقدمه ایرج افشار بر «انیس الناس» و ... اشاره شده و مهمتر از همه بر اساس آنچه در دیباچه کتاب وجود دارد موضوع این کتاب حکمت عملی یا همان اخلاق و سیاست مدن و تدبیر منزل است.

این کتاب بر اساس دیباچه مؤلف که در نسخه کتابخانه مجلس وجود دارد مشتمل بر ۲۰ فصل بوده است و مؤلف در تألیف آن از آثار نویسندگان پیشین سود جسته و تحت تأثیر اندیشه‌های ایشان بوده است. (شجاع، بی تا: ۷)

با توجه به عنوان فصل‌ها و محتوای کتاب مشخص می‌گردد که برای تمام نوزده باب باقی مانده، باب مشابهی در قابوسنامه وجود دارد (رک: دبیریان، ۱۳۹۳: د؛ بخشایی، ۱۳۹۵: ۲۰ و ۲۱) علاوه بر این مشابهت در نام‌گذاری، بسیاری از عبارات و حکایات ذکر شده در این کتاب نیز تقلیدی از قابوسنامه است. تا آنجا که بعضی، متن انیس الناس را برگرفته از قابوسنامه دانسته‌اند که مؤلف متناسب با موضوع، آیات، احادیث، اشعار و حکایاتی به آن افزوده است (رک: دبیریان، ۱۳۹۳: ذ) و بعضی آن را تحریر دیگری از قابوسنامه می‌دانند (بخشایی، ۱۳۹۵: ۱۵). البته این موضوع با توجه به وضع علم و ادب در آن دوره، که تازگی و ابداع در آن دیده نمی‌شود و پیوسته پیرامون آثار متقدمان و شرح و توضیح و تعبیر و تحشیه سخنان ایشان کار می‌شود تعجبی ندارد. (رک: یار شاطر، ۱۳۳۴: ۲۶)

در جستجوی دیگر منابع مورد استفاده مؤلف به ذکر سه داستان از کلیله و دمنه، حدود ۱۸ عبارت از کتاب اخلاق ناصری و ۱۱ حکایت از گلستان در این کتاب برمی‌خوریم. (رک: دبیریان، ۱۳۹۳: ذ و ر).

همچنین بر اساس نسخه کتابخانه مجلس در دو جایگاه، یکی در صفحه ۲۰۰ که نظر صاحب کشف را در مورد آیه ۱۷۹ سوره بقره، در مورد قصاص بیان می‌کند و دیگری در صفحه ۱۰۲ که از صاحب «کشف نقل می‌کند که چهار آیه از آیات الله در شأن شراب در مکه نازل شده...» از مطالبی از این کتاب استفاده می‌کند.

مؤلف انیس الناس صرفاً در دو مورد که به تفسیر کشف اشاره کرده و نیز دو مورد که داستان میمون و سنگ پشت و شیر و خرگوش از کلیله و دمنه را بیان کرده به منبع خود اشاره می‌کند. (۳۳ و ۲۰۸ پ) البته در مورد اخیر در نسخه مجلس، به صورت غیر مستقیم ولی در نسخه دانشگاه تهران به صورت مستقیم به کتاب مذکور اشاره می‌شود.

با توجه به این که کتاب «انیس الناس» در گروه کتاب‌های علمی و آموزشی جای می‌گیرد و برای مؤلف آن، بیان معنی و انتقال مفهوم به خواننده در درجه اول اهمیت و آراستن سخن به ظرافت‌های لفظی در درجه دوم ارزش و اعتبار قرار دارد و نیز با توجه به اینکه حجم قابل توجهی از مطالب این کتاب برگرفته از قابوسنامه است که نثری ساده دارد و همچنین با توجه به ویژگی نثر دوره تیموری، مؤلف، این کتاب را به نثری ساده و روان نوشته است و هیچگاه در آرایش سخن خود چنان غرق نشده که رعایت معنی را فراموش کرده باشد. هر چند اگر تمایلی داشت از این کار عاجز نبود و گواه این امر هنر نمایی او در همان

تحمیدیه آغاز کتاب است که براعت استهلالی بس هنرمندانه است و در ضمن حمد و ثنای پروردگار به نحوی زیبا تمام بیست فصل کتاب را معرفی کرده است. (رک: شجاع، ۱۳۹۳: خ)

در استفاده از کلمات و اصطلاحات عربی، غیر از تحمیدیه خطبه مؤلف که تماماً عربی است در مابقی متن اعتدال رعایت شده و از واژه‌های دشوار عربی که خواننده را به زحمت بیندازد استفاده نشده است.

مؤلف که اهل مطالعه آثار ادبی بوده، خود نیز دستی در سرودن شعر دارد. این امر از شعرهایی که شاهد آورده مشخص می‌گردد زیرا در کنار اشعاری که به نظر می‌رسد سروده خود اوست، از اشعار بزرگان ادب فارسی نیز استفاده نموده است و نثر خود را به شعر فارسی و عربی زینت داده است.

در این کتاب حدود ۱۴۱۰ بیت و ۶ مصراع شعر فارسی و ۲۷ بیت و ۱ مصراع شعر عربی وجود دارد که نگارنده این مقاله، سراینده بعضی از ابیات را شناسایی نموده است. به نظر می‌رسد که بقیه اشعار از مؤلف کتاب باشد.

با بررسی اشعار نقل شده در این کتاب مشخص می‌شود نظامی با ۳۸۴ بیت نقل شده، مولوی با ۲۱۷ بیت، عطار با ۱۷۶ بیت، سعدی با ۱۷۲ بیت و ابن یمن با ۱۱۸ بیت، به ترتیب جایگاه‌های اول تا پنجم در کسب توجه مؤلف انیس‌الناس را به خود اختصاص داده‌اند. از شاعران عرب، اشعار حضرت علی علیه السلام، حسّان بن ثابت، ابوفراس و... در این کتاب وجود دارد. مؤلف انیس‌الناس، خود را به آوردن نام شاعری که از شعر او در متن کتاب استفاده نموده ملزم نساخته است.

در مورد رعایت تناسب بین نثر و نظم، مؤلف نتوانسته است آن گونه که ملک الشعرا بهار در مورد گلستان اظهار نظر نموده است که «لطف اشعار او گذشته از خوبی خود شعر این است که در هر مورد از دو الی سه بیت بیشتر نیاورده مگر آنکه بعد از قطعه فارسی بیتی تازی نهاده، و بعد از بیت تازی باز قطعه فارسی جای داده» (بهار، ۱۳۸۰: ۱۲۸/۳) تناسب را رعایت کند. گاهی بین اشعار ضبط شده از شاعران در این کتاب، با آنچه در کتاب‌های دیگر یا دیوان اشعار ایشان ضبط شده است اختلافاتی دیده می‌شود. توجه به این اختلاف ضبط‌ها، برای پژوهشگرانی که در زمینه تصحیح متون فعالیت می‌کنند بسیار ارزشمند است.

ارزش دیگر این کتاب برای پژوهشگران تاریخ است و آن مربوط به حکایاتی است که مؤلف از هم‌عصران خود مثل: سید شمس‌الدین محمد سید شریف، شمس‌الدین محمد حافظ، مولانا نور سمرقندی، محب‌الدین ابوالخیر جزری، محمود خجندی، حرفی و... و عارفانی چون شیخ محمد روزبهان، خواجه بهاء‌الدین نقشبند و... نقل می‌کند. و نیز اطلاعاتی که در مورد برخی مکان‌ها مثل شول، گوکان، مدرسه سنغریه، مدرسه فزاریه و... در اختیار خواننده قرار می‌دهد. (رک: شجاع، ۱۳۵۶: ۱۴؛ شجاع، ۱۳۹۳: صفحه «ص» = ۱۴ مقدمه)

۴- شناختی تازه از مؤلف اصلی

در بخش سابقه تحقیق ضمن معرفی آثاری که پیرامون تحریر اول و دوم این کتاب تحقیق نموده‌اند اختلاف نظر فهرست-نگاران و محققان در انتساب اثر به شجاع شیرازی و قوام‌الدین محمد یزدی بیان شد با توجه به این همه تشتت آراء، به راستی مؤلف این کتاب کیست؟ و با عنایت به آنچه در مقدمه مؤلف آمده است چگونه می‌توان آن را از قوام‌الدین محمد یزدی دانست؟

به نظر نگارنده این مقاله، آنچه مؤلف در مقدمه خود آورده که: «... محرر این حال و مقرر این مقال اقل عباد السلطان المطاع شجاع...» و موجب شده ایرج افشار و برخی از فهرست نویسان، مؤلف را فردی به نام شجاع بدانند به گونه‌ای دیگر قابل دریافت است.

با توجه به اینکه قوام‌الدین پیرو مکتب ملامتیه و به دنیا و دنیویات بی‌علاقه بود و «مدت العمر هرگز سایه بر قصد ارتکاب امری نینداخت که موجب نمایش و شهرت گردد» (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸: ۳۵) و آثار نظم و نثر خود را کمتر روی کاغذ آورده و سعی در حفظ و نشر آنها نداشته است؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که قوام‌الدین بریده از دنیا، در مقدمه کتاب نیز از ذکر نام خویش اجتناب کرده است و شاید واژه شجاع، اشاره به نام شاه شجاع دارد و در حقیقت نویسنده در این عبارت خود را کمترین بندگان شجاع، سلطان اطاعت شده، معرفی می‌کند. به عبارت دیگر واژه «شجاع» در این جایگاه، نام سلطان است نه نام مؤلف کتاب.

با توجه به این استدلال و نیز سخنان محمدتقی دانش پژوه در اثبات اینکه که مؤلف نسخه‌ای که به نام «اخلاق و سیاست» در کتابخانه دانشگاه تهران، نگهداری می‌شود همان مؤلف «فتح‌نامه سلطانی» است و مؤلف «فتح‌نامه سلطانی»، قوام‌الدین محمد یزدی است (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۲۹۷۶/۱۲) یقین حاصل می‌گردد که انیس‌الناس تألیف نویسنده گمنام یزدی، قوام‌الدین محمد است.

علاوه بر این، اشعاری که از مؤلف در متن کتاب آمده قاعدتاً باید از کسی باشد که شهرتی در شاعری داشته است و با توجه به آثار باقی مانده از قوام‌الدین، می‌توان در حدسی قریب به یقین گفت که مؤلف کتاب کسی جز قوام‌الدین نیست و آنچه مانع این تصور گشته، یکی اشاره علامه قزوینی است که ایرج افشار نیز از آن تبعیت کرده و دیگر ناشناخته بودن نسخه دوم کتاب است که فهرست‌نگاران اطلاعی از آن نداشته‌اند.

برخی نام او را قوام‌الدین محمد بن ابوبکر بن علی یزدی (بیانی، ۱۳۴۰: «نسخه‌های خطی»، راهنمای کتاب، ۲۴۱؛ آقا بزرگ طهرانی، بی‌تا: ۳۰/۲۳ و ۳۶) و برخی محمد بن ضیاء‌الدین ابوبکر حسین بن شرف‌الدین علی یزدی (رک: منزوی، ۱۳۴۹: ۲/ب ۱۵۳۹/۲؛ دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۲۹۷۶/۱۲) و برادر شرف‌الدین علی یزدی دانسته‌اند. مردم زمانه‌اش او را «مولانا قوام الحق و الدین محمد» (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸: ۳۵) خطاب می‌کرده‌اند.

قوام‌الدین محمد در یزد به دنیا آمد (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۱۳۷۱/۹) و در جوانی قرآن را حفظ نمود و به حدیث و قرآن آشنا بود. شرف‌الدین علی یزدی، برادر کوچکتر قوام‌الدین، ماجرای اعتکاف او برای حفظ قرآن را نقل کرده است. (رک: شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸: ۳۵ و ۳۶)

آن گونه که برادرش شرف‌الدین علی در دیباچه دیوان او نگاشته قوام‌الدین پیرو مکتب ملامتیه و به دنیا و دنیویات بی‌علاقه بوده است. (همان: ۳۶)

پس از وفات قوام‌الدین، یکی از دوستانش به نام عبدالرحمن شیرازی، معروف به صغیر به جمع آوری آثار او می‌پردازد و شرف‌الدین علی را به نوشتن دیباچه‌ای بر آثار برادر تشویق می‌کند اما این کار صورت نمی‌پذیرد تا این که بعدها به اصرار نبیره قوام‌الدین، فرزند قطب‌الدین، شرف‌الدین اقدام به نوشتن دیباچه بر دیوان برادر می‌نماید. (همان: ۳۶ و ۳۷)

قوام‌الدین محمد، از خانواده‌ای ادیب بود برادرش شرف‌الدین علی یزدی نویسنده و مورخ معروف است. گویا پدرش نیز شعر می‌سروده است. شرف‌الدین علی یزدی به این نکته چنین اشاره می‌کند:

«در وصف حال خویشتم نیک در خور است
بیتی ز گفته پدرم حلّ فی الجنان
در هیاتم مبین که به منطق گه کلام
بس نکته از بدیع و معانی کنم بیان»

(شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۶: ۷ مقدمه)

به شهادت آثار باقی مانده، قوام‌الدین نیز مانند برادرش دبیر و شاعری توانا بود (رک: نفیسی، ۱۳۴۴: ۷۹۰/۲؛ شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸: نه) او به شروان و آذربایجان و دیار بکر و شام و مصر و مازندران و لاهیجان و ری سفر کرده و با دربار فرمانروایان و بزرگانی مانند شاهرخ و ابراهیم سلطان و بایسنغر و ابوالفتح خلیل در ارتباط بوده است. گاهی به حضور ایشان رسیده، گاهی از شهری دیگر نامه‌ای به ایشان نوشته و اظهار خلوص و یگانگی نموده، گاهی گله از نرسیدن به ملاقات دارد، گاهی کتابی به ایشان تقدیم می‌کند. گاه فتح شهری یا تولد فرزند و فرزندزاده‌ای را به ایشان تبریک می‌گوید و گاهی از دست دادن عزیزی را تسلیت. (رک: دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۱۳۷۷/۹ - ۱۳۷۱)

در مسافرتی با کشتی به حجاز رفته و در بین راه گرفتار دزدان دریایی شده که اموال او را به تاراج برده‌اند و سپس به بندر ظفار در بین یمن و حبشه رسیده است. (رک: همان: ۱۳۷۵)

گاهی از قطع مقرری و وظیفه و عدم مساعدت شاه و وزیر گله دارد (همانجا)، زمانی با ذکر سوابق از امیر یوسف خواجه، طلب وظیفه می‌نماید. یکبار نیز گویا وام‌دار و گرفتار وام‌خواهان و محصلین دیوان شده و اموالش مصادره گردیده است و ضمن نامه‌ای به امیر فیروزشاه درخواست توجه و ردّ بعضی از آنها را می‌نماید. گویا در ماجرای متهم گردیده، نامه‌ای از ساری و مازندران به شاه می‌نویسد و توقع همراهی درباره دانشمند بیگناه که منظور خود مؤلف است، دارد (رک: همان: ۱۳۷۶) و بدین گونه مشخص می‌گردد که او به علم و مقام علمی خویش اذعان داشته است.

گویا فرزندی به نام افضل‌الدین داشته که در یکی از نامه‌های خود که از لاهیجان نوشته است توصیه‌هایی به او دارد. (رک:

همانجا)

وفات او را در سال ۸۳۰ یعنی همان سال تألیف انیس‌الناس، در دار السرور (یزد) دانسته‌اند. (رک: دانش پژوه، ۱۳۴۰:

۱۳۷۱/۹؛ منزوی، ۱۳۴۹: ۲/ب ۱۵۳۹؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۷۲۶/۱۵؛ دانش پژوه، ۱۳۵۰، دبیری و نویسندگی، هنر و مردم، ۵۲؛ دانش پژوه و علمی انواری، بی تا: ۱۵۸/۱) در جامع مفیدی، در بخش تعلیقات و توضیحات، در ضمن توضیح درباره سید غیاث‌الدین

علی یزدی، وفات قوام‌الدین محمد یزدی در سال ۸۲۰ نوشته شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۳/ بخش دوم / ۹۳۲) که با توجه به سال تألیف کتاب انیس‌الناس و فتح‌نامه و ... متوجه اشتباه بودن این ثبت می‌شویم.

۵- آثار به جا مانده از قوام‌الدین محمد یزدی که تاکنون شناسایی شده به شرح ذیل است:

- ۱- کتاب «انیس‌الناس» که در مورد نسخه‌ها و موضوع و ویژگی‌های آن در این مقاله بحث شد.
- ۲- دیوان: نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، برلین، کمبریج، سنا، روان کوشکو و کتابخانه ملک نگهداری می‌شود. (رک: دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۱۳۷۱/۹؛ دانش پژوه، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۰؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۷۲۶/۱۵)
- ۳- منشآت: مشتمل بر نامه‌ها و نوشته‌های مجزاً که غالباً اخوانیات است. نسخه‌هایی از آن در مجموعه دکتر بیانی و کتابخانه مجلس سنا وجود دارد. فیلم نسخه کتابخانه سنا در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. (رک: بیانی، ۱۳۴۰: «نسخه‌های خطی»، راهنمای کتاب، ۲۴۱؛ بیانی، ۱۳۴۱: «فهرست مجملی از منشآت و مکاتیب و ترسلات فارسی»، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۵/۲؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۱۳۹/۱۰؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۸۸۲/۳۱؛ دانش پژوه و انواری، بی تا: ۱۵۸/۱؛ دانش پژوه، بی تا، ۱۳۷/۲؛ دانش پژوه، ۱۳۵۰، دبیری و نویسندگی، هنر و مردم، ۵۲)
- ۴- فتح‌نامه سلطانی یا فتح‌نامه صاحبقرانی که در انیس‌الناس در ضمن بیان حادثه‌ای تاریخی، به آن اشاره کرده است. (رک: دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۲۹۷۶/۱۲؛ منزوی، ۱۳۴۹: ۲/ ب ۱۵۳۹/۲؛ شجاع، بی تا: ۲۱۶ و ۲۱۶پ)

۶- نسخه نو شناخته

همان‌گونه که اشاره شد نسخه‌ای از کتاب انیس‌الناس به شماره ۳۹۸۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. از آنجا که بیش از چهار فصل از ابتدای این نسخه افتاده است فهرست نویسان، دسترسی به دیباچه یا مقدمه کتاب که حاوی نام کتاب است، نداشته‌اند و براساس موضوع کتاب، آن دستنویس را به نام «رساله در اخلاق و سیاست» ثبت نموده‌اند. با بررسی رکاب صفحہ‌ها و فحوای کلام و سنجیدن متن این دستنویس با دستنویس متعلق به کتابخانه مجلس مشخص می‌گردد که بیش از چهار فصل از ابتدای این نسخه و بیش از دو فصل از پایان نسخه افتاده است. این نسخه علاوه بر افتادگی‌های آغاز و انجام، در موارد دیگری نیز افتادگی دارد. بر اساس شماره گذاری موجود بر صفحات نسخه، بین صفحه‌های ۲۶ و ۲۷، ۴۲ و ۴۳، ۷۸ و ۷۹، ۱۳۸ و ۱۳۹، ۱۵۰ و ۱۵۱، ۱۸۰ و ۱۸۱، ۱۸۴ و ۱۸۵ صفحه‌هایی افتاده است.

هرچند از نسخه دانشگاه تهران صفحه‌های بیشتری در مقایسه با نسخه کتابخانه مجلس، بر اثر حوادث روزگار افتاده است اما به نظر می‌رسد افتادگی عبارت و واژه، بر اثر سهو کاتب، در نسخه کتابخانه مجلس بیشتر است که با توجه به متن نسخه کتابخانه دانشگاه می‌توان آن‌ها را تصحیح نمود تا جمله‌ها کامل‌تر و با مفهوم‌تر شوند.

دستنویس متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران به دلیل آنکه می‌تواند تکمیل کننده کلمات یا عباراتی باشد که ایرج افشار با حدس و گمان در متن چاپی قرار داده است دارای اهمیت و ارزش است.

یکی دیگر از ویژگی‌های نسخه کتابخانه دانشگاه وجود آیات، عبارات‌های عربی، احادیث و اشعاری است که در نسخه کتابخانه مجلس کتابت نشده است.

گاهی در نسخه دانشگاه از واژه‌های ساده‌تری نسبت به نسخه مجلس استفاده شده است؛ مثلاً: واژه «بیاع» در نسخه مجلس، در نسخه دانشگاه به واژه «بایع» و واژه «منعق» به «متفق علیه» تبدیل شده است یا واژه «مبحوث‌فیه» از نسخه دانشگاه به کلی حذف گردیده است.

گاهی جمله‌های مترادف در نسخه مجلس بیشتر از نسخه دانشگاه دیده می‌شود برای مثال:

نسخه مجلس: «اگر در سفر خشک حادثه‌ای واقع گردد و واقعه‌ای حادث شود.» [۷۱پ]

نسخه دانشگاه: «اگر در سفر خشک حادثه‌ای واقع شود.» [۴ر]

البته این نکته گاهی نیز برعکس است.

در جایگاهی که نسخه مجلس از تشبیه جمع استفاده کرده نسخه دانشگاه به آوردن یک مشبه به اکتفا کرده است:

نسخه مجلس: «و خرد بی اتصال هنر و بی‌الحاق حکمت چون بدنی بود عریان و معدوم‌الثوب و چون تاجری بود که دستگاه و مایه دارد و بصارت ندارد.» [۷۳ر]

نسخه دانشگاه: «و خرد بی اتصال هنر و بی‌الحاق حکمت چون تاجری باشد که دستگاه و مایه دارد و بصارت ندارد.» [۵ر]

در نسخه دانشگاه تهران حرف ربط «که» در معنی تعلیل به کرات دیده می‌شود ولی در نسخه مجلس در همین جایگاه حرف ربط «چه» کتابت شده است.

نسخه مجلس: «اما مکاس را به مرتبه بی‌مروّتی مرسان چه بی‌مروّتی شعار دروغ زنان است.» [۶۸پ]

نسخه دانشگاه: «اما مکاس را به مرتبه بی‌مروّتی مرسان که بی‌مروّتی شعار دروغ زنان است.» [۱ر]

استعمال فعل امر و نهی در نسخه مجلس بیشتر است در صورتی که در همان جایگاه در نسخه کتابخانه دانشگاه، فعل به صورت سوم شخص مفرد مثبت یا منفی به کار رفته است. گویا در نسخه مجلس مخاطب به صورت مستقیم مورد خطاب قرار گرفته است.

نسخه مجلس: «حوائج، نیکو به جای آر و در حفظ این صورت تقصیر روا مدار.» [۷۳پ]

نسخه دانشگاه: «حوائج، نیکو به جای آورد و در حفظ این صورت تقصیر روا ندارد.» [۵پ]

گاهی واژه‌ای در نسخه مجلس به اشتباه کتابت شده که شکل صحیح آن را در نسخه دانشگاه می‌یابیم.

نسخه مجلس: «به سود و رنجی که معهود است اشترا کند.» [۷۴ر]

نسخه دانشگاه: «به سود و ریحی که معهود است اشترا نمایند.» [۶ر]

گاهی نیز برعکس آن نسخه مجلس درست‌تر به نظر می‌رسد. البته این مورد بسامد کمتری دارد.

نسخه مجلس: «هر آنکه دشمن جان خودست بسم الله... که ای فسرده غافل بیا و گوش مخار.» [۷۹ر]

نسخه دانشگاه: «هر آنکه دشمن نام خودست بسم الله...» ... که ای فسرده غافل بیا و گوش بخار» [پ۹]

گاهی به نظر می‌رسد جمله دارای موازنه‌ای بوده که به دلیل افتادن واژه‌ای در نسخه دانشگاه این موازنه به هم خورده است. (یا شاید در نسخه مجلس برای ایجاد موازنه، واژه‌ای اضافه شده است)

نسخه مجلس: «چه عاشقی کاریست پر مشقت و بلا و شغلی است پر محنت و عنا.» [۷۶ر]

نسخه دانشگاه: «که عاشقی کاریست پر بلا و شغلی است پر محنت و عنا.» [۷پ]

با توجه به آنچه تاکنون اشاره شد، پیدا شدن نسخه یا تحریری دیگر از کتاب انیس‌الناس، لزوم تنظیم توضیحات و تعلیقات بر این کتاب، لزوم بررسی انتساب کتاب به مؤلف، و برخی اشتباهات راه یافته در نسخه چاپی که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود ثابت می‌شود این کتاب باید مورد توجه و تصحیح مجدد قرار گیرد.

۷- برخی از اشکالات راه یافته به نسخه چاپی به این قرار است:

۱-۷- افتادن واژه یا عبارت از نسخه چاپی: در بعضی مواضع، واژه‌ای از متن افتاده و در نسخه چاپی نیامده است. در مثال‌هایی که در ذیل می‌آید واژه‌هایی که با خطی در زیر آن مشخص می‌گردد در نسخه کتابخانه مجلس وجود دارد ولی در نسخه چاپی ظاهر نشده است.

«سنگ پشت را باور کرد و بازگشت. چون به کنار آب رسیدند میمون حمله کرد و از پشت او به کنار آب

جست.» [۳۷پ]

«الحاله هذہ پشیمان است و از اوصاف حمیده و سیرت پسندیده این ملک آن که...» [۴۲ر]

۲-۷- اضافه شدن واژه یا حرفی به متن نسخه چاپی: گاهی واژه‌ای به متن اضافه شده است. در نمونه‌هایی که در ذیل می‌آید واژه‌ای که با خطی در زیر آن مشخص می‌شود در متن دستنویس کتابخانه مجلس نبوده ولی به متن چاپی اضافه گردیده است.

«پس اگر تقدیراً به غیر اختیار به محبوبی غیر پارسا و معشوقی پریشان خنسا مبتلا گردی...» [۹۲پ] این عبارت در نسخه دانشگاه تهران نیز فاقد واژه «پس» است.

«... آنچه میسر و ممکن گشتی از مملکت اخذ کرده و به ماوراءالنهر مراجعت نمودی...» [۲۰۳ر]

۳-۷- عدم توجه به رمزهای حاشیه نسخه: این نوع از سهوهای راه یافته به نسخه چاپی را می‌توان بر اساس شاهد

مثال‌ها به گونه‌های زیر تقسیم کرد:

۱-۳-۷- عدم توجه به علایمی که نشان دهنده نوشته شدن مطلبی در حاشیه است. برای مثال در متن دستنویس

کتابخانه مجلس، در عبارت: «با وقوع بسطت منال و اقمشه از جمیع معایب سالم و...» [۵۴پ] بین واژه‌های «از» و «معایب» علامت راده به نشانه این که مطلبی در حاشیه نوشته شده، دیده می‌شود و در حاشیه، واژه «جمیع» کتابت شده است. اما این علامت و واژه ذکر شده نادیده گرفته شده و برای جبران ضعف معنی عبارت، در نسخه چاپی، واژه «همه» در عوض واژه «جمیع» به جمله افزوده شده است.

در عبارت «چه خاصیت انس مبداء محبتی که مورث انواع سعادات و مثمر اصناف مرادات است.» [۸۱پ] بر بالای واژه «خاصیت» راده وجود دارد. در حاشیه سمت راست، به موازات همین سطر، واژه «انس» و اندکی پایین تر در حاشیه سمت چپ واژه «است» دیده می شود. دستیار مصحح، بدون عنایت به این که فعل «است» مربوط به آخرین جمله سطر بعد است که کاتب به علت نداشتن فضای کافی در پایان سطر، آن را در حاشیه نوشته است واژه «انس» را نادیده گرفته و نیز بدون توجه به معنی عبارت واژه «است» را در این محل قرار داده و عبارت را به شکل «چه خاصیت است، مبداء محبتی که مورث انواع سعادات و مثمر اصناف مرادات» ثبت کرده است. در این جایگاه کتابت نسخه دانشگاه تهران نیز با قرائت نگارنده این سطور از نسخه کتابخانه مجلس هماهنگ است.

۷-۳-۲- عدم توجه به کتابت دو نقطه در زیر واژه‌هایی که در پایان نیاز به حرف «ی» دارد ولی ظاهراً فاقد آن است. گویا کاتب هنگام نوشتن برخی واژه‌های مختوم به حرف «ی»، فراموش کرده این حرف را در پایان واژه بنویسد و بعداً خود کاتب، مؤلف یا فرد دیگری، در بازخوانی با گذاردن دو نقطه بر زیر آخرین حرف، به جبران این امر پرداخته است. این نکته نیز گاهی در نسخه چاپی مغفول واقع شده است. در نمونه‌هایی که برای این عنوان، ذکر می شود شکل اصلی واژه، در متن و شکل موجود در نسخه چاپی در زیر آن نوشته شده است.

- «و از کاهلی ننگ دار. چه کاهلی برادر بدبختی است. رنج بردار باش از آنکه چیز به زحمت به دست

کاهل کاهل بدبخت است چیزی

می آید و حاصل می گردد و همچنانچه به رنج و زحمت فرا آید و جمع شود از کاهلی برود و ضایع شود.» [۶۶پ]

کاهل

هرچند واژه‌های «کاهلی» در دست نویس فاقد حرف «ی» است اما کاتب با گذاردن دو نقطه در زیر حرف «ل» سعی کرده واژه «کاهل» را به «کاهلی» تبدیل نماید که در نسخه چاپی ظاهر نشده است. و برای جبران این سهو برای اینکه معنی عبارت درست شود عبارت «بدبختیست» را تبدیل به «بدبخت است» نموده و در پانویس نوشته است: «اصل: بدبختی». البته مصحح متوجه ضعف معنی عبارت، در این شکل شده و برای آخرین واژه «کاهل» در پانویس نوشته است: «کذا، شاید: کاهلی».

در همین عبارت حرف «ی» از پایان واژه «چیزی» در دست نویس پاک شده است و به واژه «چیز» به معنی دارایی و مال و ثروت (لغت نامه دهخدا، ذیل چیز) تبدیل شده است که مورد توجه واقع نگردیده است. این مورد در عنوان دیگری بررسی خواهد شد.

- «خرد و فضیلت را اصل الباب کلی دان و مال را مزین ایشان.» [۵۷ر]

کل

این واژه نیز دارای دو نقطه در زیر حرف «ل» است و با خوانش آن به صورت «کلی» معنی عبارت کامل خواهد بود.

۷-۳-۳- عدم توجه به این امر که در دستنویس مورد بحث، گاهی علامت همزه بر روی «ه» بدل از «ای» است. در

نوشته پیش رو، شکل صحیح واژه در متن و صورت ثبت شده در نسخه چاپی در زیر آن نوشته می شود.

- «چه اگر ترک آن رعایت [۱۷۴پ] کنی و بر خلاف اقتضای مقام آنچه با خویش مقرر کرده‌ای و قیاس نموده متکلم گردی بی‌قضای حاجت معاودت نمایی.» [۱۷۵ر]

- «چه با وجود عامیّت، صیغهای چند یاد داشت.» [۱۴۲ر]

صیغۀ

۷-۳-۴- عدم توجه به علامتی شبیه مد که گاهی زیر حرف «ح» گذاشته شده و ما را متوجه می‌سازد که واژه را با حرف «ج» نخوانیم. در شواهدی که در ادامه می‌آید شکل صحیح کلمه در متن و صورت ثبت شده در نسخه چاپی، زیر آن نوشته می‌شود.

- «و از برای چیز دنیا ممنون منت کس مشو و از جهت بی‌تحمّلی و عدم قناعت، این عیب و عار بر خود مدار.» [۱۷۷پ]

بی‌تجمّلی

معطوف ساختن «بی‌تجمّلی» و «عدم قناعت» به یکدیگر بی‌معنی است. از طرف دیگر در دستنویس متعلق به کتابخانه مجلس، نقطه‌ای برای آنچه در نسخه چاپی «ج» ثبت شده وجود ندارد. در دستنویس مورد مطالعه، کاتب حرف «ح» را با قرار دادن علامتی شاید شبیه به مد در زیر آن از حرف «ج» متمایز ساخته است. این علامت در این موضع نیز وجود دارد که نادیده گرفته شده است. واژه مورد بحث، در نسخه دانشگاه تهران نیز به صورت «بی‌تجمّلی» ثبت شده است.

- «علت‌های ظاهر و باطن آن‌ها را نیز یاد کنیم تا بیان آن نیز سبب احتراز [۱۹۴ر] گردد و تفصیل آن علل: انتشار، سیه

گام، قلغند، شقاق، اومه، ارتهاش، سرطان، ناصور، برص، جراد، نمله، حناق، جدوو، کهنکو، سعال، خفقان.» [۱۹۴پ]

حناق

۷-۴- مواردی که برای مصحح نسخه چاپی، صورت صحیح واژه مشخص نبوده و از علامت سؤال (?) در کنار

واژه، نوشتن واژه «کذا» یا گذاشتن چند نقطه استفاده شده است. این موارد را گاهی با دقت بیشتر در دست‌نویس متعلق به کتابخانه مجلس، گاهی با جستجو در منابع مربوط، گاهی نیز با مراجعه به نسخه دانشگاه تهران می‌توان اصلاح نمود. در شواهدی که در ادامه می‌آید شکل صحیح کلمه در متن و صورت مغلوّط ثبت شده در نسخه چاپی، زیر آن نوشته می‌شود.

- «وزر منّان الاحسانُ أكبرُ من اجره.» [۱۷پ]

ورر(?)

- «از کوی بتان ای دل کم جو ره برگشتن / کاین بادیه همچون تو سرگشته بسی دارد» [۸۸ر]

جو رمبرگشتن (کذا)

با توجه به دستنویس متعلق به کتابخانه مجلس و معنی عبارت، «... کم جو ره برگشتن» درست است. مصحح «ه» را به صورت دایره «م» در نظر آورده و چنین اشتباهی رخ داده است. در سایت گنجور نیز این بیت از امیرشاهی با عبارت (... کم جو ره برگشتن) ثبت شده است. (رک: [https:// ganjoor.net](https://ganjoor.net))

- «پس در ایام پیری به توجه آخرت و تحصیل اسباب معرفت اجتهاد نما و همّت خویش را مصروف نیل این سعادت و مشعوف ادراک این دولت گردان. چه معلوم که بقای دنیا در جنب بقای آخرت چه مقدار تواند بود و تفاوت ظاهر.» [۲۳۴ر]

.....(نانوشته)

- «بدان که مهمان مردم شدن نیز و حقّ این صورت نگاه داشتن و محافظت آن نمودن امری به غایت بزرگ است.» [۱۶۰ر]
... (نانوشته)

در پانویس نسخه چاپی نوشته شده است: «کلمه‌ای به شکل «نر» که خواندنش ممکن نشد.»

۷-۵- تصحیح قیاسی نادرست. گاهی در نسخه چاپی تصحیح‌هایی صورت پذیرفته که به نظر درست نمی‌آید.

- «هر که را شد همّت عالی پدید / هر چه جست آن چیز حالی شد پدید» [۳۶ر]

شد حالی

این بیت از منطق الطیر عطار (عذر آوردن مرغان، بخش دولتی که سحره فرعون یافتند) است و در دست‌نویس مورد مطالعه، در تصحیح سید صادق گوهرین از منطق الطیر (رک: عطارنیشابوری: ۱۳۸۱، ۱۴۵) و نیز در سایت گنجور به صورت «... حالی شد پدید» ضبط شده است اما در نسخه چاپی انیس‌الناس، بدون اشاره به اصل دست‌نویس، و احتمالاً برای حفظ ردیف و قافیه با مصرع قبل، به گونه‌ای که مشخص شد، ضبط شده است. البته بیت مورد بحث در متن تصحیح دکتر شفیع نیز به صورت «... شد حالی پدید» ضبط شده است. (عطارنیشابوری: ۱۳۹۷، ۳۵۰)

- «این جماعت شراب خوردند و مست گشتند. چون وقت نماز در رسید یکی از آن جمع به امامت جماعت مشغول گشت و در قرائت قرآن عظیم خواند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» (کافرون (۱۰۹:۱): «أَعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ.»» [۱۰۳ر]

لأَعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ

سخن در مورد این است که چگونه و بر اثر چه حوادثی حکم حرام بودن «خمر» نازل شد. در این حکایت نقل می‌شود که فردی شراب خورده و مست، به امامت جماعت می‌ایستد و آیه دوم سوره کافرون را اشتباه می‌خواند. بر این اساس در متن باید صورت اشتباه آیه که توسط فرد مست خوانده شده ضبط شود نه شکل صحیح آن، تا مفهوم حکایت حفظ شود.

- «عذر احمق بدتر از جرمش بود / عذر نادان زهر هر آتش بود» [۱۱۰ر]

زهر دانش کش بود

واژه مورد بحث در اصل دست‌نویس به صورت «هر الش» یا شاید به جای حرف «ل» دندانه‌ای بدون نقطه کتابت شده و معلوم نیست چرا در نسخه چاپی، عبارت «دانش کش» جایگزین آن گردیده و به اصل دست‌نویس نیز اشاره‌ای نشده است. این مصراع در نسخه دانشگاه تهران به صورت «عذر نادانی زهر آتش بود» [۸۲ر] کتابت شده است. اما به نظر نگارنده با توجه به شکل کتابت شده واژه، عبارت «هر آتش» درست است و «آتش» آنچنان که لغت نامه دهخدا خبر می‌دهد «نام درختی است جنگلی و چوب آن در نجاری به کار می‌رود» (لغتنامه دهخدا، ذیل آتش).

۶-۷- عدم اشاره به وضعیت و مشکلات نسخه: گاهی در دستنویس کتابخانه مجلس، واژه‌هایی به دلیل آب دیدگی نسخه یا ... محو شده و قابل خواندن نیست یا واژه‌ای اشتباه کتابت شده است و مصحح آن را اصلاح نموده است ولی به وضعیت و مشکل نسخه در پانویس متن چاپی اشاره‌ای نشده است.

- «آخر الامر تمارض زن مقرر گشت و چنانچه... می‌باشد زن سنگ پشت قدری زعفران بر روی خویش مالید.» [۳۵ر]
[مرسوم]

هر چند در نسخه چاپی، واژه افزوده بر متن، در بین دو گروه [] قرار داده شده؛ اما اشاره‌ای به وضعیت نسخه و محو شدن واژه به دلیل آب دیدگی نشده است. به نظر نگارنده آثاری از حروف «م ت ف» و ... دیده می‌شود.

- «تهی دست در خوبرویان میبچ / که بی هیچ مردم نیرزد به هیچ» [۷۶ر]
عبارت مشخص شده، در دستنویس متعلق به کتابخانه مجلس «... نیرزند بهیچ» نوشته شده است. وزن شعر به این صورت صحیح نیست و باید به یکی از شکل‌های «نیرزد به هیچ» یا «نیرزند هیچ» اصلاح شود.
این بیت در بوستان سعدی به شکل «... نیرزند هیچ» ضبط شده است (رک: سعدی، ۱۳۷۹ الف: ۸۲). در نسخه دانشگاه تهران بیت مورد بحث، در حاشیه پایین صفحه نوشته شده و به مرور زمان و بر اثر آب دیدگی نسخه، بیشتر واژه‌های آن محو گردیده است و صرفاً دو واژه از اول هر مصراع قابل خواندن است. با وجود این و با دقت زیاد، آثار محو شدگی از عبارت «نیرزد بهیچ» در پایان بیت دیده می‌شود. به هر حال باید در پانویس نسخه چاپی به شکل اصلی واژه در دستنویس اشاره می‌شد.
- «لیکن بعضی که در غایت شرّ باشند به تأدیب اصلاح نپذیرند. ... اما اگر در ابتدا با اخیار نشینند و نشو و نما با ایشان یابند خیر شوند.» [۱۲۶پ]

در دستنویس کتابخانه مجلس، در محل سه نقطه، یک واژه قابل خواندن نیست ولی در نسخه چاپی اشاره‌ای به آن نشده است و واژه «اما» نیز از عبارت حذف گردیده است. در دستنویس کتابخانه دانشگاه تهران در محل سه نقطه واژه‌ای وجود ندارد.
۷-۷- گاهی در نسخه چاپی در عوض واژه‌ای که در دستنویس کتابت شده، کلمه‌ای دیگر با همان معنی چاپ شده است. گاهی حتی چنین رابطه‌ای نیز بین دو واژه وجود ندارد. در نمونه‌هایی که در ادامه می‌آید واژه کتابت شده در دستنویس در متن و جایگزین آن در نسخه چاپی در زیر خط قرار دارد:

- «چه انتظار ما بسیار شد و توقف او از حد متجاوز گشت.» [۳۳پ]
شدید

- «تا علاج آن زحمت و دوی آن مشقت چنانچه داند به دل میمون مقرر گرداند.» [۳۵ر]
خواهد

۸-۷- عدم توجه به تراشیدگی‌های متن. گاهی گویا کاتب با تراشیدن واژه، واژگان یا بخشی از یک واژه قصد اصلاح متن را داشته ولی اثر باقی مانده از واژه یا واژگان تراشیده شده، مصحح نسخه چاپی را دچار اشتباه نموده و واژه تراشیده شده در نسخه چاپی ظاهر شده است. در مثال‌های مربوط به این عنوان، شکل صحیح عبارت، در متن و صورت تراشیده شده که در نسخه چاپی ظاهر شده است در زیر آن نوشته می‌شود.

«چیز خویش از آن خویش دان و چیز مردم از آن مردم، تا به امانت معروف گردی.» [۶۳ر]

مردم دان

شاید جهت پرهیز از تکرار، فعل «دان» در موضع مورد بحث، تراشیده شده و چون اثری محو از آن باقی مانده در نسخه چاپی ظاهر شده است.

«مدعی گفت: اگر مرا گواه بودی به دارالقضا رفتی و استغاثه به پادشاه نیاوردی.» [۲۲۹پ]

و به استغاثه [رو]

ظاهراً کاتب در ابتدای امر «و باستغاثه» نوشته بوده ولی حرف «ب» را تراشیده و محو کرده است با توجه به این امر نیازی به افزودن واژه «رو» به عبارت نیست. در نسخه دانشگاه نیز «و استغاثه به پادشاه...» نوشته شده است.

۷-۹- بدخوانی یا غلط‌های تایپی مشکلی است که بالاترین بسامد را در بین لغزش‌های راه یافته به این تصحیح به خود

اختصاص می‌دهد.

در شواهد مربوط به این مورد به قطع و یقین نمی‌توان نظر داد که در هنگام قرائت نسخه مجلس، سهوی رخ داده است یا هنگام تایپ و حروف چینی این اشکالات به متن راه یافته است. در شواهدی که در ادامه ذکر می‌شود صورت درست کلمه، در متن و شکل ثبت شده در نسخه چاپی در زیر آن نوشته می‌شود.

«پرده درّ هر که درین عالم است [۱۹ر] / راز تو را هم دل تو محرم است»

پرده در دهر

بی‌توجهی به وزن، همراه با بدخوانی موجب شده که برای اصلاح وزن، واژه «که» حذف گردد و با عبارت «اصل: + که» در پانویس به آن اشاره شود. این بیت در مخزن الاسرار نظامی، در نکوهش دورویان، به صورت «پرده درّ هر چه درین عالم است» ضبط شده است. (رک: نظامی، ۱۳۷۷: ۸۰)

«گر بار دیگر دامن وصلش به کف آرم» [۴۰پ]

آرد

هرچند در دستنویس متعلق به کتابخانه مجلس، حرف «م» از فعل «آرم» بر روی خط جدول قرار گرفته است اما قابل تشخیص است. این بیت در کلیات سعدی به صورت «گر بار دگر دامن کامی به کف آرم» ثبت شده است. (رک: سعدی، ۱۳۷۹: ب)

(۴۲۶۱)

«پس کنج قناعت را به گنج دنیا مبدل مساز...» [۵۱پ]

گنج کنج

«هر آنکه کنج قناعت به گنج دنیا داد / فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی» [۵۱پ]

گنج کنج

در ادبیات فارسی بارها به «کنج قناعت» و برتری و تقابل آن با «گنج دنیا» و «گنج زر» و ... اشاره شده است از جمله در

بیت فوق از حافظ و نیز بیت:

گنج زر گر نبود کنج قناعت باقیست آن که آن داد به شاهان، به گدایان این داد

(حافظ، ۱۳۷۳: ۳۸۴)

- «آرایش مردم به بذل و سخاست.» [۵۵پ]

به دل

هرچند در دستنویس متعلق به کتابخانه مجلس، این دو واژه، متصل به یکدیگر و فاقد هر نقطه‌ای است؛ اما وجود دو دندان در آن به وضوح دیده می‌شود. در تهیه نسخه چاپی گویا به وجود دو دندان توجه نشده است. معنای عبارت نیز قرائت «به بذل» را می‌طلبد.

۷-۱۰- **عدم توجه به لغات مهجور.** گاهی عدم توجه یا ناآشنایی با واژه‌ای که در زمان مؤلف رایج و مورد استفاده بوده و در زمان مصحح متروک گردیده است باعث خوانش اشتباه برخی واژگان می‌گردد. در نمونه‌هایی که در ادامه می‌آید واژه کتابت شده در دستنویس کتابخانه مجلس در متن و شکل ظاهر شده در متن چاپی در زیر خط نوشته می‌شود.

- «اگر چه پیوسته کار دل این مستمند و وار خاطر این نیازمند آن بوده...» [۸۷ر]

و آز

در لغتنامه دهخدا برای کلمه «وار» معنای «رسم و عادت» به نقل از برهان و جهانگیری و معنای «طرز و روش» به نقل از غیاث ثبت شده است (دهخدا، ذیل وار).

در دستنویس کتابخانه مجلس، عبارت مورد بحث به صورت «مستمند و وار» کتابت و حرف الف در وسط کلمه با مد نوشته شده است البته این امر در این دستنویس، بی سابقه نیست. واژه «آز» در این عبارت فاقد معنا است.

- «تا اگر روزی پادشاه امری حکمی میان دو مسلمان رجوع به او کند از حقیقت آن کما هو حقّه [۲۲۹ر] تفصی تواند

تقصی

نمود و صدق و کذب آن حال را معلوم تواند فرمود.» [۲۲۹پ]

در هر دو دستنویس موجود، به وضوح «تفصی» نوشته شده است. دهخدا معنی «تفصی» را به نقل از اقرب الموارد، «به نهایت چیزی رسیدن» و به نقل از منتهی الارب «خلاص شدن انسان از مضیقه و بلیه و دین» و «رهايي یافتن از هر چه باشد» نوشته است. (لغتنامه دهخدا، ذیل تفصی)

با توجه به آنچه گذشت، ضرورت تصحیح مجدد این کتاب، ایجاب می‌کند که با دقت در متن نسخه نوشناخته، متنی صحیح‌تر عرضه گردد و تعلیقاتی مناسب برای آن فراهم شود.

۸- نتیجه گیری:

کتاب انیس الناس، در سنه ثلاثین و ثمانمائه = ۸۳۰ توسط نویسنده‌ای از کارگزاران حکومتی، با موضوع حکمت عملی یا همان اخلاق و سیاست مدن و تدبیر منزل، تألیف و به ابراهیم سلطان، شاهزاده دانش دوست و هنرمند تیموری، دومین پسر شاهرخ و گوهرشادبیگم و فرمانروای فارس تقدیم شده است.

از این کتاب دو نسخه باقی مانده است. نسخه مربوط به کتابخانه مجلس به علت باقی ماندن مقدمه مؤلف از گزند حوادث روزگار، ظاهراً در بردارنده نام مؤلف و نام کتاب است ولی نسخه متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران به دلیل افتادگی آغاز نسخه، نام مؤلف و نام کتاب را مشخص نمی‌سازد و بزرگانی که این نسخه ناقص را مشاهده و مطالعه نموده‌اند با تأمل در متن کتاب و با توجه به موضوع آن، کتاب را ذیل عنوان «رساله در اخلاق و سیاست» یا «اخلاق و سیاست» معرفی و فهرست نموده‌اند. عده‌ای از پژوهشگران این کتاب را از قوام‌الدین محمد یزدی و عده‌ای با توجه به واژه شجاع در خطبه کتاب آن را از فردی به نام شجاع دانسته‌اند اما در مورد آثار و احوال او مطلبی ذکر نکرده‌اند. به نظر نگارنده، واژه «شجاع» در خطبه کتاب، نام سلطان و یا اشاره‌ای به شاه شجاع می‌تواند باشد.

مؤلف در ضمن حکایتی تاریخی به اثر دیگری از خود به نام «فتح‌نامه سلطانی» اشاره کرده است. اسناد و مدارک ثابت می‌کنند این کتاب از قوام‌الدین محمد یزدی است. علاوه بر این، اشعاری که از مؤلف در متن کتاب آمده قاعدتاً باید از کسی باشد که شهرتی در شاعری داشته است و با توجه به آثار باقی مانده از قوام‌الدین، می‌توان در حدسی قریب به یقین گفت که مؤلف کتاب کسی جز قوام‌الدین نیست و آنچه مانع این تصور گشته، یکی اشاره علامه قزوینی است که ایرج افشار نیز از آن تبعیت کرده و دیگر ناشناخته بودن نسخه دوم کتاب است که فهرست‌نگاران اطلاعی از آن نداشته‌اند. بنابراین مؤلف کتاب انیس‌الناس قوام‌الدین محمد یزدی است که به دلیل اعتقاد به اصول ملامتیه و به جهت اجتناب از کاری که موجب نمایش و شهرت شود از ذکر نام خود در کتاب پرهیز کرده است.

از این نویسنده تاکنون کتاب‌های انیس‌الناس، دیوان، منشآت و فتح‌نامه سلطانی یا فتح‌نامه صاحبقرانی شناسایی شده که غیر از کتاب انیس‌الناس بقیه آثار او هنوز تصحیح و چاپ نشده است.

با توجه به این که کتاب «انیس‌الناس» در گروه کتاب‌های علمی و آموزشی قرار دارد و نیز با توجه به اینکه حجم قابل توجهی از مطالب آن برگرفته از قابوسنامه است نثری ساده و روان دارد، هیچگاه مؤلف در آرایش سخن چنان غرق نشده که رعایت معنی را فراموش کرده باشد.

مؤلف کتاب، بسیاری از مضامین و مطالب خود را از کتاب‌هایی مثل قابوسنامه، کليلة و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی مولوی، خمسه نظامی و اشعار شاعرانی مثل حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی و ... وام گرفته است. او هر چند منکر این مسئله نیست اما خود را ملزم به اشاره به نام شاعران یا منابع مورد استفاده، ندانسته است و جز چند مورد انگشت شمار نام منبع یا شاعر اشعار مورد استفاده خود را ذکر نموده است.

علیرغم ارزشمندی نسخه چاپی موجود از این کتاب و فضل تقدّم مصحح آن، که این کتاب را از نابودی حفظ و به علاقمندان معرفی نموده و امکان تحقیق در این کتاب را برای ایشان فراهم کرده است؛ اشکالاتی به قرار ذیل در این چاپ راه یافته است: ۱- افتادن واژه یا عبارت از نسخه چاپی ۲- اضافه شدن واژه یا حرفی به متن نسخه چاپی ۳- عدم توجه به رمزهای حاشیه نسخه (عدم توجه به علایمی که نشان دهنده نوشته شدن مطلبی در حاشیه است. عدم توجه به کتابت دو نقطه در زیر واژه‌هایی که در پایان نیاز به حرف «ی» دارد ولی ظاهراً فاقد آن است. عدم توجه به این امر که در دستنویس مورد بحث، گاهی علامت همزه

بر روی «ه» بدل از «ای» است. عدم توجه به علامتی شبیه مد که گاهی زیر حرف «ح» گذاشته شده و ما را متوجه می‌سازد که واژه را با حرف «ج» نخوانیم) ۴- مواردی که برای مصحح نسخه چاپی، صورت صحیح واژه مشخص نبوده و از علامت سؤال (؟) در کنار واژه، نوشتن واژه «کذا» یا گذاشتن چند نقطه استفاده شده است. این موارد را گاهی با دقت بیشتر در دست‌نویس متعلق به کتابخانه مجلس، گاهی با جستجو در منابع مربوط، گاهی نیز با مراجعه به نسخه دانشگاه تهران می‌توان اصلاح نمود. ۵- تصحیح قیاسی نادرست. ۶- عدم اشاره به وضعیت و مشکلات نسخه (محو شدن، ناخوانا یا غلط بودن واژه) ۷- گاهی در نسخه چاپی در عوض واژه‌ای که در دست‌نویس کتابت شده، کلمه‌ای دیگر با همان معنی چاپ شده است. ۸- عدم توجه به تراشیدگی‌های متن. ۹- بدخوانی یا غلط‌های تایپی. ۱۰- عدم توجه به لغات مهجور.

موارد ذکر شده ایجاب می‌کند که با دقت در متن نسخه نوشناخته، متنی صحیح‌تر به همراه تعلیقاتی مناسب برای این کتاب فراهم شود.

پیرزاده نشسته
بزرگوار
انتشارات

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها:

- بهار، محمدتقی (۱۳۸۰)، سبک شناسی، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۳)، دیوان حافظ، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ یازدهم، تهران، گنجینه.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰)، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۳)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمدتقی و بهاءالدین علمی انواری (بی‌تا)، فهرست کتاب‌های خطی مجلس سنا، تهران، کتابخانه مجلس سنا.
- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۷)، جایگاه نثر شیراز و فارس در تحول نثر فارسی در سده‌های هفتم تا نهم، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- _____ (۱۳۸۹)، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- سعدی، مصحح الدین عبدالله (۱۳۷۹ الف)، بوستان، به کوشش غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سعدی، مصحح الدین عبدالله (۱۳۷۹ ب)، کلیات، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران: دوستان.
- شجاع (۱۳۵۶)، انیس الناس، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۹۳)، انیس الناس فی الاخلاق؛ مجموعه‌ای از حکایات و سخنان حکیمانه مربوط به قرن نهم، تحقیق و پژوهش وحید سبزیان پور و مرضیه دبیریان، تهران: یار دانش.
- شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۸)، منشآت، به کوشش ایرج افشار، با همکاری محمدرضا ابویی مهریزی، تهران: ثریا.
- _____ (۱۳۸۶)، منظومات، به کوشش ایرج افشار، تهران: ثریا.
- طهرانی، محمد محسن (بی‌تا)، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، الطبعة الثانیة، بیروت: دارالأضواء.
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۸۱)، منطق الطیر؛ به اهتمام و تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۹۷)، منطق الطیر؛ به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سخن.

- غنی، قاسم (۱۳۲۱)، تاریخ عصر حافظ، تهران، انتشارات بانک ملی.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳)، یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی.
- مستوفی بافقی، محمد مفید بن محمود (۱۳۸۵)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر.
- منزوی، احمد (۱۳۴۹)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- _____ (۱۳۸۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۷)، کلیات، مطابق نسخه تصحیح شده وحید دستگردی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه علم.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، چاپخانه میهن.
- یارشاطر، احسان (۱۳۳۴)، شعر فارسی در عهد شاهرخ، تهران: دانشگاه تهران.

ب) مقالات:

- بخشایی، سودابه و اکبر صیادکوه (۱۳۹۵): «بررسی و مقایسه قابوسنامه و انیس‌الناس (تحریر دیگری از قابوسنامه)»، نشریه ادب و زبان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۹، شماره ۳۹، بهار و تابستان، صص ۳۵-۱۵.
- بیانی، مهدی (۱۳۴۰)، «نسخه‌های خطی»، راهنمای کتاب، سال ۴، شماره ۳، تهران، صص ۲۴۴-۲۴۰.
- بیانی، مهدی (۱۳۴۱)، «فهرست مجملی از منشآت و مکاتیب و ترسلات فارسی»، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، صص ۴۹-۴۳.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۵۰)، «دبیری و نویسندگی»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، شماره صد و یازدهم، صص ۵۶-۴۸.
- سبزیان پور، وحید و مرضیه دبیریان (۱۳۹۳): «تأثیر پذیری شجاع در فصل دوم کتاب انیس‌الناس از منابع فارسی و عربی»، متن پژوهی، سال ۱۸، پاییز، صص ۱۶۷-۱۳۵.

ج) پایان نامه‌ها:

- دبیریان، مرضیه (۱۳۹۳)، «تأثیرپذیری کتاب انیس‌الناس از فرهنگ و ادب عربی و بازشناسی منابع آن»، استاد راهنما: وحید سبزیان پور، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عرب.
- محمدی، جلال (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر قابوسنامه عنصرالمعالی و گلستان سعدی بر کتاب انیس‌الناس شیخ شجاع»، استاد راهنما: دکتر محمد رضا ملک، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج.

د) نسخه‌های خطی:

- شجاع شیرازی (بی تا)، انیس الناس فی الاخلاق، نسخه‌ی خطی محفوظ در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۵۱۸.

- قوام‌الدین محمد یزدی (بی تا)، رساله در اخلاق و سیاست، نسخه خطی محفوظ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران به شماره‌ی ۳۹۸۲.

(ه) سایت‌ها:

- [https:// ganjoor.net](https://ganjoor.net)

A newly known prescription of the book of Anis al-Nas with a new recognition of its author

The book "Anis al-Nas" written in the 9th century with the subject of practical wisdom.

Two editions of this book have been identified. One belongs to the Majlis library, which repertories have identified as Shoja, based on the sermon of author. The other one belongs to Tehran University Library, which, due to the fall of the beginning of the book, the repertories, based on the subject, have registered it by the name of "Treatise in Ethic and Politics" and considered its author to be "Ghavamoddin Mohammad Yazdi", the elder brother of "Sharafoddin Ali Yazdi".

According to the author's statement which is available in the first edition of the book, the book is written in 20 chapters. In the version of "Treatise on Ethics and Politics" it remains until the middle of chapter 18.

In this article, while pointing out the features of the first and second editions of Anis al-Nas's book, we will discuss how the second edition can help to resolve the ambiguity and omissions of the first edition that appeared in the printed version.

Also, what has been obtained about the main author of the book, "Qawamuddin Mohammad Yazdi", and his books will be presented and analyzed.